



پایان نامه کارشناسی ارشد در رشته زبان و ادبیات فارسی

عنوان:

مقایسه‌ی سطح فکری غزلیات سعدی و خواجه

استاد راهنما:

دکتر محمدمیر مشهدی

استاد مشاور:

دکتر عبدالله واثق عباسی

تحقیق و نگارش:

سمانه لطفی

(این پایان نامه از حمایت مالی معاونت پژوهشی دانشگاه سیستان و بلوچستان بهره مند شده است)

زمستان 89

بسمه تعالی

این پایان نامه با عنوان « مقایسه‌ی سطح فکری غزلیات سعدی و خواجه » قسمتی از برنامه آموزشی دوره کارشناسی ارشد زیانت و ادبیات فارسی توسط دانشجو سمانه لطفی با راهنمایی استاد پایان نامه دکتر محمد امیر مشهدی تهیه شده است. استفاده از مطالب آن به منظور اهداف آموزشی با ذکر مرجع و اطلاع کتبی به حوزه تحصیلات تکمیلی دانشگاه سیستان و بلوچستان مجاز می باشد.

سمانه لطفی

این پایان نامه4.. واحد درسی شناخته می شود و در تاریخ 89/12/15 توسط هیئت داوران بررسی و درجه عالی به آن تعلق گرفت.

نام و نام خانوادگی	امضاء	تاریخ
استاد راهنما:	دکتر محمد امیر مشهدی	
استاد راهنما:		
استاد مشاور:	دکتر عبدالله واثق عباسی	
داور 1:	دکتر محمدعلی زهرازاده	
داور 2:	دکتر احمد رضا کیخای فرزانه	
نماینده تحصیلات تکمیلی:	دکتر روح الله شیرازی	



تعهدنامه اصالت اثر

اینجانب سمانه لطفی تعهد می کنم که مطالب مندرج در این پایان نامه حاصل کار پژوهشی اینجانب است و به دستاوردهای پژوهشی دیگران که در این نوشته از آن استفاده شده است مطابق مقررات ارجاع گردیده است. این پایان نامه پیش از این برای احراز هیچ مدرک هم سطح یا بالاتر ارائه نشده است.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به دانشگاه سیستان و بلوچستان می باشد.

نام و نام خانوادگی دانشجو: سمانه لطفی

امضاء

تقدیم به:

پدر و مادر عزیزم

آنانکه وجودم برایشان همه رنج بود و وجودشان برایم همه مهر

توانشان رفت تا به توانایی برسم

مویشان سپید گشت تا رویم سپید بماند

آنان که فروغ نگاهشان، گرمی کلامشان

و روشنی رویشان سرمایه‌های جاودانی زندگی من است

آنان که راستی قامت‌م در شکستگی قامتشان تجلی یافت

در برابر وجود گرامیشان زانوی ادب بر زمین می‌نهم

و با دلی مملوء از عشق و محبت

بر دستانشان بوسه می‌زنم

سرو وجودشان همیشه سرسبز و استوار

سپاسگزاری

شکر ذات مقدس پروردگار را سزااست که شاکرترین بندگانش از حق شکر او عاجزند و عابدترین آنها در عبادتش قاصر، شکر را تعلیم داد و بر آن ثواب عظیم مقرر فرمود. اقیانوس رحمتش را ساحلی و نعمت‌هایش را شماره‌ای نباشد.

بایسته می‌دانم از اساتید محترم جناب آقای دکتر محمدمیر مشهدی استاد راهنمای گرامیم و جناب آقای دکتر عبدالله واثق عباسی استاد مشاورم که با فرزاندگی و جهان دیدگی، در طی این طریق، چراغ هدایت‌م بودند و با رهنمودهای فاضلانه و خالصانه خود، محور هدایت‌م شدند برای عمری سپاسگزار باشم.

همچنین بر خود لازم می‌دانم از خواهران عزیزم سمیه و سعیده و برادرانم جعفر و جواد و جلیل و دوستانم طیبه سالاری، گل آفرین ملکی، سمیرا کریمی، زهرا جوکار، معصومه قربانی، فریده شهردرازی، ریحانه برزگری، آمنه دهقان، محبوبه عابدی، فاطمه ثواب، و از تمامی کسانی که به نوعی در انجام این پایان نامه همراهم بودند و مرا یاری نمودند کمال تشکر را دارم.

چکیده:

سعدی شیرازی و خواجهی کرمانی از شاعران برجسته و صاحب سبک غزل فارسی هستند. سعدی شیرازی با کلام روان، منسجم، خوش آهنگ و شیرینش، غزل عاشقانه را به اوج رساند به گونه‌ای که هیچ شاعری نمی‌تواند به مقام او نزدیک شود. خواجه نیز از شاعران برجسته‌ای است که غزل عاشقانه - عارفانه را در هم می‌آمیزد تا جایی که غزل او، سرمشق حافظ نکته سنج، واقع می‌شود. با توجه به اهمیت غزل آن دو، شایسته است اندیشه‌ها، عواطف، درون مایه‌های فکری آنها، دقیقاً مورد بررسی قرار گیرد. در غزل سعدی و خواجه، وجوه تشابه در مضامین و درون مایه‌های شعری، بسیار و وجوه تفاوت، کم و اندک است ولی باز هم از کشف زوایای فکری آنها بی‌نیاز نیستیم.

غزل قالب شعری است که محتوا و درون مایه‌ی آن بیش از هر چیز عشق و وابسته‌های آن است. در غزل خواجه هر دو نوع عشق مجازی و حقیقی با هم آمیخته می‌شوند. این آمیختگی در سراسر غزلیات او موج می‌زند. برخلاف سعدی که عشق را از بعد مجازی آن آغاز و به بعد عرفانی ختم می‌کند.

عاشق، سه چهره‌ی مشترک مادی، عرفانی و قلندری دارد. مقام عاشق در غزل هر دوی آنها، پست و حقیر و مقام معشوق، بلند و والاست. معشوق سعدی مقام والایی دارد، چنان که گاهی به معبود شعر عرفانی نزدیک می‌شود ولی در مجموع، زمینی است. معشوق غزل آنها دو چهره‌ی مجازی و حقیقی دارد؛ اما معشوق خواجه از آغاز چهره‌ای تلفیقی دارد.

این پایان نامه در پنج فصل تنظیم یافته:

فصل اول: تعاریف و کلیات، شامل: موضوعات و سیر غزل، سبک عراقی و ویژگی‌هایش، شرح حال و آثار سعدی و خواجه.

فصل دوم: عشق، شامل: انواع عشق، تقابل عشق و عقل، ازلی و ابدی بودن عشق و ...

فصل سوم: عاشق، شامل: عاشق در عشق مجازی؛ بندگی، نیازمندی، ... عاشق. مشکلات و رنج‌های عاشق و ...

فصل چهارم: معشوق، شامل: معشوق در عشق مجازی، معشوق در عشق عرفانی و ...

فصل پنجم: دیگر درون مایه‌ها، شامل: تلمیحات و اشارات قرآنی، تاریخی، داستانی و دانش‌ها مانند؛ نجوم، موسیقی و ...

کلید واژه‌ها: سعدی، خواجه، غزل، اشتراکات، تفاوت‌ها، فکری، عشق، عاشق، معشوق، دیگر درون مایه‌ها

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
1	مقدمه.....
4	فصل اول: تعاریف و کلیات.....
5	غزل در لغت.....
5	غزل در اصطلاح ادبی.....
6	موضوعات غزل.....
6	سیر غزل.....
9	سبک عراقی و غزل.....
10	مختصات سبک عراقی.....
11	روش بررسی سبک شناختی متون.....
11	شرح حال و آثار سعدی.....
16	شرح حال و آثار خواجهی کرمانی.....
19	فصل دوم: عشق، وجوه تشابه و تفاوت در غزل سعدی و خواجه.....
22	الف: وجوه اشتراک (اشتراکات فکری).....
27	ب: وجوه افتراق (تفاوت‌های فکری).....
27	تفاوت‌های فکری سعدی.....
39	تفاوت‌های فکری خواجه.....
41	فصل سوم: عاشق، وجوه تشابه و تفاوت در غزل سعدی و خواجه.....
44	الف: وجوه اشتراک.....
44	1. عاشق در سطح عشق مجازی.....
44	سطح اول: مقام و مرتبه‌ی عاشق نسبت به معشوق.....
50	سطح دوم: مشکلات و رنج‌های عاشق.....
61	سطح سوم: دل‌بستگی‌های عاشق به معشوق.....

68 سطح چهارم: حالات عاشق برای رسیدن به وصال
75 سطح پنجم: حالات و ویژگی های متفرقه ی عاشق
77 2-عاشق در مرتبه ی عشق عرفانی
79 3-عاشق در مقام و مرتبه ی قلندر
82 ب-وجوه افتراق (تفاوت های فکری در زمینه ی صفات و حالات عاشق)
82 سطح اول: حالات عاشق در سطح عادی در شعر سعدی
82 الف- مشکلات و رنج های عاشق
83 ب- دل بستگی های عاشق به معشوق
85 ج- حالات عاشق برای رسیدن به وصال
86 د- حالات عاشق در برابر معشوق
87 و- حالات متفرقه ی عاشق در غزل سعدی
90 سطح دوم: حالات و شخصیت عرفانی عاشق در شعر سعدی
91 سطح سوم: حالات و شخصیت قلندری عاشق در شعر سعدی
93 سطح اول: حالات و صفات عاشق در سطح عادی در غزل خواجه
93 الف- حالات عاشق در برابر معشوق
94 ب- صفات متفرقه ی عاشق
95 سطح دوم: حالات و صفات قلندرانیه ی عاشق در غزل خواجه
97 فصل چهارم: معشوق، وجوه تشابه و تفاوت در غزل سعدی و خواجه
99 الف: وجوه اشتراک
99 1-معشوق مادی و مجازی
99 الف. زیبایی های جسمانی و ظاهری معشوق
116 ب: صفات مطلوب و پسندیده ی معشوق
117 ج: صفات ناخوشایند معشوق نسبت به عاشق
120 ب: وجوه افتراق (تفاوت های فکری سعدی و خواجه در زمینه ی معشوق)
120 1-معشوق مجازی در غزلیات سعدی

120	الف: زیبایی های جسمانی و ظاهری معشوق.....
123	ب: صفات و حالات شایسته و مطلوب معشوق.....
125	ج: صفات و ویژگی های ناخوشایند معشوق.....
127	2- معشوق عرفانی در غزل سعدی.....
128	3- معشوق قلندری در غزل سعدی.....
129	2- ویژگی های متفاوت معشوق مجازی در غزل خواجه.....
129	الف: زیبایی های جسمانی و ظاهری معشوق.....
131	ب- صفات و حالات خوب معشوق.....
132	ج- صفات ناپسند معشوق.....
133	فصل پنجم: دیگر درون مایه ها، وجوه تشابه و تفاوت در غزل سعدی و خواجه.....
134	الف: وجوه تشابه دیگر درون مایه ها در غزل سعدی و خواجه.....
134	دسته ی اول: تلمیحات.....
151	دسته ی دوم: دیگر درون مایه های گوناگون مشترک سعدی و خواجه.....
154	ب: وجوه تفاوت دیگر درون مایه ها در غزل سعدی و خواجه.....
154	دسته ی اول: تلمیحات سعدی.....
159	دسته ی دوم: دیگر درون مایه ها در غزل سعدی.....
159	1- افکار صوفیانه.....
160	2- افکار خیامی.....
162	3- دیگر مسایل فکری سعدی.....
163	دیگر درون مایه ها در غزل خواجه.....
163	دسته ی اول: تلمیحات خواجه.....
173	دسته ی دوم: دیگر مسایل فکری خواجه.....
176	نتیجه گیری.....
179	فهرست منابع.....

مقدمه:

ابو محمد مصلح بن عبدالله مشهور به سعدی شیرازی (606-691 هجری) شاعر و نویسنده‌ی پارسی‌گوی ایرانی است. آثار معروفش کتاب گلستان در نثر و بوستان در نظم و نیز غزلیات وی است که غزلیات سعدی در چهار کتاب طبیات، بدایع، خواتیم و غزلیات قدیم گردآوری شده است.

سعدی یکی از نامدارترین سخن‌سرایان جهان است که بسیاری از اندیشمندان را به ستایش واداشته است. گستردگی و تنوع آثار و چیره‌دستی مسلم او در میدان‌های گونه‌گون سخن، نام او را به عنوان سخنوری توانا در سراسر دنیا گسترانیده است.

کمال‌الدین ابوالعطا محمود بن علی محمود بن محمود، معروف به خواجه‌ی کرمانی (689-753 هجری) یکی از شاعران بزرگ سده‌ی هشتم است. او در قصیده، مثنوی و غزل طبعی توانا داشته؛ اما به جهت این که در فاصله‌ی زمانی زندگی دو شاعر گرانقدر یعنی سعدی و حافظ می‌زیسته تقریباً گمنام واقع شده است.

آثار او شامل دیوان که در بردارنده‌ی قصاید، غزلیات، ترجیعات و رباعیات است و بر روی هم، به دو بخش صنایع الکمال و بدایع الجمال تقسیم می‌شود. صنایع الکمال مشتمل بر قصاید، قطعات، ترکیبات، ترجیعات و غزلیات است. غزلیات در این بخش به دو دفتر تقسیم شده یکی، غزل‌هایی که در سفر گفته است و سفریات نام دارد و دیگر غزلیاتی که در حضر سروده و به حضریات موسوم است. بدایع الجمال مشتمل بر قصاید، ترکیبات، غزلیات و رباعیات که در دفتر غزلیات آن به نام شوقیات خوانده شده است. شمار غزلیات بخش حضریات 369، بخش سفریات 365 و بخش شوقیات 299 غزل می‌باشد. و نیز شش مثنوی که سام‌نامه، همای و همایون، گل و نوروز، روضه‌الانوار، کمال‌نامه و گوهرنامه است.

این پایان‌نامه شامل پنج فصل است که در فصل اول آن، به تعریف غزل و مفاهیم آن در طول تاریخ ادبیات تا زمان خواجه، سیر غزل، سبک عراقی، شرح زندگانی و آثار سعدی و خواجه و در فصل‌های دوم تا پنجم به اشتراکات و تفاوت‌های فکری دو شاعر پرداخته شده است.

در این پایان‌نامه سعی می‌شود تا مقایسه‌ای بین غزلیات سعدی و خواجه از نظر فکری انجام شود و اشتراکات و تفاوت‌های فکری این دو شاعر در زمینه‌های اصلی غزل یعنی عشق، عاشق، معشوق و دیگر درون‌مایه‌ها بررسی شود.

غزلیات این دو شاعر را در چهار سطح می‌توان بررسی کرد: سطح اول؛ اشعاری که در آن از عشق مادی و مجازی سخن گفته شده و به وصف زلف و خط و خال و سایر اعضای معشوق پرداخته شده است. دسته‌ی دوم؛ اشعار عرفانی که مشتمل بر وصف عشق حقیقی و مسایل عرفانی است. دسته‌ی سوم؛ اشعار قلندرانه است. که می‌توان گفت لحن قلندری و چاشنی عرفانی در اشعار خواجه بیشتر از سعدی است. سطح چهارم نیز اشعاری است که در آنها افکار و اندیشه‌هایی غیر از عشق و لوازم آن بیان شده است که شامل موارد زیر می‌شود:

افکار صوفیانه شامل؛ توحید و یکتاپرستی، مدح قناعت و آزادگی، مذمت تکبر، هوای نفس و جمال پرستی، ترک دنیا و مال و منصب و افکار خیامی مانند: ناپایداری دنیا، فناپذیری انسان، جبر گرایی، ستمکاری روزگار و ... است که در شعر این دو شاعر با تفاوت‌های اندکی بیان شده است. به طور مثال سعدی جمال پرستی را نکوهش می‌کند اما خواجه آن را می‌ستاید. این افکار و اندیشه‌ها در فصل پنجم و با عنوان دیگر درون مایه‌ها گردآوری شده است.

سوالات اصلی تحقیق:

- آیا این دو شاعر به آیات و احادیث یکسان اشاره دارند؟

- آیا در اشارات و تلمیحات اساطیری، مذهبی، تاریخی و ... مشابهت دارند؟

- آیا در وصف عشق، عاشق و معشوق همانندی وجود دارد؟

- آیا اندیشه‌های عرفانی در شعر این دو یافت می‌شود؟

سابقه و ضرورت انجام تحقیق:

تاکنون تحقیق و بررسی مستقلی با این عنوان صورت نگرفته است و این نخستین بار است که به مقایسه سطح فکری غزلیات سعدی و خواجهی کرمانی پرداخته می‌شود.

اهداف:

- نشان دادن میزان تأثیر پذیری خواجه از سعدی در غزل

- نشان دادن اشتراکات و تفاوت‌های فکری دو شاعر

- کمک به درک عمیق‌تر خوانندگان از غزل خواجه و سعدی

روش انجام تحقیق:

شیوه‌ی پژوهش به روش کتابخانه‌ای بوده است. در آغاز شناسایی منابع مربوط به حوزه‌ی کار و نیز فیش برداری اطلاعات و داده‌ها صورت گرفته است. سپس به تحلیل و مقایسه‌ی اشتراکات و تفاوت‌های فکری سعدی و خواجه پرداخته شده است.

روش تحقیق و مراحل علمی و اجرای طرح به این صورت می‌باشد:

1. خواندن کتاب‌ها و مقالات مرتبط با موضوع، یادداشت و فیش‌برداری مطالب از منابع دست اول.

2. خواندن غزلیات دو شاعر و استخراج مطالب از آن‌ها.

3. تحلیل و مقایسه‌ی سطح فکری غزلیات دو شاعر با ذکر شاهد مثال.

4. نتیجه‌گیری از مباحث مطرح شده.

5. ویرایش و تایپ تحقیق.

شیوه‌ی ارجاع غزل‌ها و ابیات، چنین است که اعداد پایان ابیات به ترتیب از چپ به راست، شماره غزل و شماره بیت می‌باشد. البته، در کنار بعضی از ابیات سعدی علامت‌های «غ» و «و» آمده است که بیانگر نشانه‌ی اختصاری اصطلاح «غزلواره» است. در کنار ابیات خواجه نیز علامت‌های «ح» «س» «ش» آمده که به ترتیب علامت اختصاری سه بخش غزلیات خواجه یعنی؛ حضریات، سفریات و شوقیات است.

فصل اول:

تعاریف و کلیات

غزل در لغت:

فرهنگ دهخدا، معانی غزل را با مأخذ آن به ترتیب زیر آورده است:

(مصدر عربی) سخن گفتن با زنان و عشق بازی نمودن (منتهی الارب). حدیث زنان و حدیث عشق ایشان کردن (آندراج). محادثه با زنان (اقرب الموارد). بازی کردن با محبوب، حکایت کردن از جوانی و حدیث صحبت و عشق زنان (غیث اللغات). دوست داشتن، حدیث با زنان و صحبت با ایشان (تاج المصادر بیهقی). ستایش کردن کسی، ثنای کسی (مقدمه الادب زمخشری). سرود و کلام منظوم و شعر و چامه (ناظم الاطباء). المنجد ذیل غزل می‌نویسد:

الْغَزَلُ: اللَّهُ مَعَ النَّسَاءِ. الْغَزَلُ: الْمَتَغَزَلُ بِالنِّسَاءِ. (فرهنگ دهخدا)

غزل به فتح عین و زاء اسم است از مغازله یعنی سخن گفتن با زنان (فرهنگ معارف اسلامی). سخنگویی با زنان (دایرة المعارف فارسی). حکایت کردن از جوانی و حدیث صحبت و عشق زنان (فرهنگ معین). سخنگویی با زنان و عشقبازی (فرهنگ نظام، فرهنگ نفیسی)

حدیث زنان و حدیث عشق ایشان کردن و سخنی که در وصف زنان و عشق ایشان گفته آید و در عرف شعرا چند بیت مقررری که پیش قدامت زیاده از دوازده بیت نیست و متأخران منحصر در آن ندانسته و بالفعل خواندن و سرودن و زدن و برداشتن و طرح کردن و از قلم ریختن (آندراج)

« و غزل در اصل لغت حدیث زنان و صفت عشقبازی با ایشان و تهالک در دوستی ایشان است و مغازلت، عشقبازی و ملاعبت است با زنان. » (شمس قیس، 1360:415)

غزل در اصطلاح ادبی:

واعظ کاشفی سبزواری در تعریف غزل می‌گوید: « غزل آن است که مشتمل بر وصف شکل و شمایل محبوب و شرح نکات و حکایت حال محب باشد؛ و سلاست الفاظ و عذوبت معنی از خصایص اوست؛ و تصریح مطلع از لوازم او؛ کمتر عدد ابیات غزل پنج است؛ و اکثر آن پانزده؛ و آن چه میان این و آن بود، انساب آن است. » (واعظ کاشفی سبزواری، 1369: 71)

غزل در اصطلاح شعرای فارسی اشعاری است بر یک وزن و قافیت با مطلع مصرع که حد معمول متوسط مابین پنج بیت تا دوازده بیت باشد و گاهی بیشتر از آن تا حدود پانزده و شانزده بیت، و بندرت تا نوزده بیت نیز گفته- اند. (همایی، 1382: 124)

در اصطلاح ادبا، «غزل» چند بیت شعر است که بر یک وزن و قافیت، با مطلع مصرع سروده شده باشد و حد معمول ابیات آن از پنج تا دوازده بیت است، اگرچه گاهی شاعرانی حتی غزل را تا نوزده بیت و بیشتر نیز گفته‌اند. اما به کمتر از پنج بیت، معمولاً نام غزل داده نمی‌شود. (رستگار فسایی، 1373: 564)

موضوعات غزل:

مجموعه افکار غنایی، عاشقانه (مجازی و حقیقی)، معانی عرفانی، فلسفی، اجتماعی و اخلاقی، عبرت، ایثار، فداکاری، خداجویی، حق طلبی در غزل آمده است، محرک شاعر در غزل، احساسات و عواطف اوست. غزلیات حافظ و سعدی و وحشی سرشار از عواطف است. (رستگار فسایی، 1373: 571)

سیر غزل:

واژه‌ی غزل که واژه‌ای عربی است و در اصل به معنی عشق‌بازی و عاشقانه سخن‌گویی است، در دوره‌های پیشین زبان فارسی به معنی شعر عاشقانه، تغزل و تشبیب، شعر ملحون و آهنگین به کار رفته است. (راستگو: 1383: 6)

آغاز شعر فارسی (نیمه دوم قرن سوم هجری قمری) تا ظهور سنایی را در حقیقت دوران اختفای غزل و بسته شدن مایه‌های نخستین آن می‌توان دانست و غزل فارسی در طول این زمان، دوران نوپایی و نخستین خود را به گونه‌های ابتدایی دوبیتی یا چندبیتی‌های عاشقانه و یا ترانه‌هایی که با نوای موسیقی دمساز می‌شد و از این نظر مفهوم غنایی و غزلی داشت می‌گذرانید و اندیشه‌های غنایی بیشتر در تغزلات وصفی و شاعرانه نمود می‌کرد. (رستگار فسایی، 1373: 590)

از آغاز قرن ششم هجری به بعد، غزل فارسی با دگرگونی چشم‌گیری به راه‌های تکامل گام نهاد. (صبور، 2535: 430) و از دو مسیر مختلف، ولی در کنار هم راه اعتلا پیمود؛ نخست غزل عرفانی و دوم غزل عاشقانه که در واقع ادامه‌ی همان راه اندیشه‌های غنایی پیش از قرن ششم بود که با پختگی و تکامل فکری و معنوی فراوان همراه شده بود و بهترین نمونه‌ی آن در شعر سعدی منعکس گردید. (رستگار فسایی، 1373: 593). نیمه‌ی اول قرن ششم تا نیمه‌ی دوم قرن هشتم هجری قمری، یکی از درخشان‌ترین ادوار شعر، بویژه سیر تکوین و تکامل و اعتلای غزل فارسی است،

در نیمه‌ی دوم قرن ششم شعر تا حدودی با فلسفه و تصوف درهم آمیخت و از این بابت هم از رواج قصیده کاسته شد و به رواج غزل افزوده گشت. در اواخر قرن ششم سبک خراسانی کاملاً تضعیف شد و سبک عراقی روی

نمود. رواج غزل در قرن ششم مقارن اوج تصوف است و یکی از بهترین قالب‌های شعری برای بیان اندیشه‌های عرفانی همین غزل است. پایه‌های غزل در این قرن استوار می‌شود و غزل، قالب رایج می‌گردد و تکامل می‌یابد تا آن که در قرن هفتم و هشتم به اوج خود رسید. (شمیسا، 1370: 73)

غزل در طول تاریخ ادبیات فارسی، به چهار معنی به کار رفته است:

1- غزل به معنی شعر عاشقانه

واژه‌ی غزل نخست بار از راه مجاز در معنی شعر عاشقانه به کار رفته است. محور و مدار غزل در این معنی، محتوا و درون مایه‌ی شعر عاشقانه است و به قاب و قالب آن نظری نیست؛ یعنی در این کاربرد، هر شعری که شرح و گزارش جلوه و جمال و حسن و کمال معشوق، و یا شکوه و گلایه از بی‌مه‌ری و جفاجویی عاشق باشد، غزل خواهد بود، چه قالب آن غزل باشد یا قصیده یا قطعه ... (راستگو، 1383: 7)

این کاربرد مجازی، نخست در خود زبان عربی روی داده و از این روست که آن‌ها هر شعر عاشقانه را به هر قاب و قالبی، غزل می‌گفته‌اند. این کاربرد مجازی از زبان عربی به زبان فارسی نیز راه یافته است و از این جاست که در زبان فارسی نیز واژه‌ی غزل در معنی شعر عاشقانه به هر قاب و قالبی به کار می‌رفته است.

2- غزل به معنی شعر ملحون و آهنگین:

غزل در ابتدا مقطعات چند بیتی بوده است، مستقل و جدا از قصیده و مشتمل بر فنون عشقیات که با مطلع مصرع و اوزان و کلمات و عبارات مخصوص ساخته شده است، به طوری که علاوه بر وزن عروضی دارای وزن ایقاعی هم بوده؛ یعنی با الحان و نغمات موسیقی نیز هم آهنگی داشته است و آن را در جشن‌ها و مجالس بزم و شادمانی با ساز و آواز می‌خوانده‌اند. (صبور، 2535: 131)

زمان رواج این اشعار از آغاز پیدایی شعر موزون و مقفای فارسی تا حدود قرن پنجم هجری است (رستگار فسایی، 1373: 575). واژه‌ی غزل در زبان موسیقی معنی محدودتری داشته است؛ شمس قیس آن را با «قول» در یک ردیف آورده و هر دو را «ترانه» یعنی رباعی ملحون دانسته است؛ قول را رباعی عربی ملحون و غزل را رباعی فارسی ملحون، نامیده‌اند. (راستگو، 1383: 12)

"و بحکم آنک ارباب صناعت موسیقی، بر این وزن الحان شریف ساخته‌اند و طرق لطیف تألیف کرده و عادت چنان رفته است کی هر چه از آن جنس بر ابیات تازی سازند آن را «قُول» خوانند و هر چه بر مقطعات پارسی باشد آن را «غزل» خوانند..." (شمس قیس، 1360: 114)

3- غزل به معنی تغزل

واژه‌ی غزل که در زبان عربی و فارسی، در معنی شعر عاشقانه کاربردی رایج یافته بود، کم کم به معنی دیگری نیز راه یافت و نامی شد برای آغازهای عاشقانه‌ی قصیده‌ها، همان که امروزه «تغزل» گفته می‌شود. (راستگو، 1383: 15). این معنی تا قرن نهم و دهم معمول بود. (شمیسا، 1382: 208)

رواج شعر در دربارها و حمایت امرا و ملوک از شاعران، باعث شد که شاعران بسیاری به ساختن قصاید مدحیه بپردازند و شیوه‌ی این شاعران به تبعیت از شاعران عرب چنین بود که قصیده را با وصفی از طبیعت، معشوق و می یا کیفیات غنایی دیگر آغاز می‌کردند و پس از تمهید مقدمه، سخن را به مدح می‌کشانیدند و بدین ترتیب گونه‌ای دیگر از غزل پدید آمد که در صدر بعضی از قصاید قرار داشت و چون این گونه اشعار به بیان اندیشه‌های غنایی طبیعت و می و معشوق می‌پرداخت، آن را غزل و به دلیل همراهی با مدح و قصیده، نسیب، تغزل و تشبیب خوانده می‌شد. (رستگار فسایی، 1373: 580)

تغزل در قرن‌های چهارم و پنجم و ششم هجری به عالی‌ترین مراتب استواری و زیبایی خود رسید و از اواسط قرن ششم به بعد که قصیده سرایی به علت از میان رفتن دربارها و حمله مغول از رونق افتاد، طبعاً از رونق تغزل نیز کاسته شد و عرفان و تصوف به شعر راه یافت و «غزل» جای تغزل را گرفت. (همان: 582)

4- غزل به معنی امروز

یکی از قوالب شعری که در قرن ششم رواج یافت و در قرن هفتم به اوج خود رسید و تا هم امروز ادامه دارد. (شمیسا، 1382: 209). غزل به این معنی، به عنوان یک قالب شعری، پیش از سده‌ی ششم جندان بازاری ندارد و از مجموعه‌ی اشعار بازمانده‌ی آن روزگاران، آنچه غزل می‌نماید، اندک و انگشت شمار است. (راستگو، 1383:

22)

اولین غزل فارسی در معنای مصطلح در آثار بازمانده از شهید بلخی و رودکی دیده می‌شود. مطلع غزل شهید این است:

مرا به جان تو سوگند و صعب سوگندی که هرگز از تو نگردم نه بشنوم پندی

بعد از شهید و رودکی، از ابواسحاق جویباری، ابوطاهر طیب بن محمد خسروانی، ابوشعیب هروی، معروفی، کسای مروز، دقیقی، قمری جرجانی، منجیک ترمذی، رابعه و منطقی در دوره سامانیان یعنی تا حدود پایان قرن چهارم غزلیات معدودی باقی مانده است. در عصر غزنویان از عیوقی، فرخی، عنصری، منوچهری، هم غزلیاتی بازمانده است؛ اما در قرن ششم در دیوان شاعران قصیده پرداز از قبیل قطران و مسعود و ادیب صابر و انوری و خاقانی و مجیر غزلیات بسیاری است. (شمیسا، 1382: 210)

سبک عراقی و غزل

سبک عراقی به لحاظ تاریخی دوره‌ی مغولان، و ایلخانان و تیموری را در بر می‌گیرد و از قرن هفتم تا اواخر قرن نهم ادامه دارد. وجه تسمیه آن این است که بعد از حمله مغول کانون‌های فرهنگی از خراسان به عراق منتقل شد و شاعران و نویسندگان بزرگ غالباً از شهرهای عراق عجمند. (شمیسا، 1383: 193) دو مشخصه‌ی مهم شعر مکتب عراقی یکی نفوذ و بسط عرفان و دیگری رواج غزل است (همان: 208). قالب مسلط در سبک عراقی غزل است. (شمیسا، 1382: 215)

از ابتدای ظهور شعر و شاعری تا حمله مغول که در اوایل قرن هفتم اتفاق افتاد، خراسان مرکز ادبیات زبان فارسی بود و از میان اقسام شعر، قصیده در درجه اول از اهمیت قرار داشت؛ اما حمله‌ی خانمان سوز مغول و خرابی شهرهای خراسان طومار شعر و شاعری را در نوردید و بساط سخن و سخنوری را برچید. (مؤتمن، 1339: 159) از نتایج حمله مغول انتقال مرکز شاعری به عراق (نواحی مرکزی و جنوبی ایران) است، عراق تا مدت مدیدی مرکزیت ادبی خود را حفظ کرد در این مدت؛ بیشتر شعرای معروف ایران از این نواحی برخاسته‌اند، تغییرات زیادی در لفظ و معنی پدید آمد، شعر عرفانی به آخرین درجه کمال رسید، غزل در کامل‌ترین صورت خویش جلوه‌گر شد و قصیده رونق خود را از دست داد، دوره‌ی مغول و تیموریان عصر غزل و مثنویست. سعدی و مولوی و حافظ که خداوندان غزل و مثنویند در همین دوره ظهور کرده‌اند. (همان: 162)

تکامل غزل، از سنائی آغاز می‌شود زیرا در میان قصاید دارای تغزل وی، کیفیتی به چشم می‌خورد که حاکی از تغییر تفکر سنائی است. او به جای سخن گفتن از مغالزه‌ها و عشق ورزی‌های زمینی، در غزل‌های خود به عشق الهی و شوق و شور عشق معنوی می‌پردازد. (رستگار فسایی، 1373: 585)

از مهم‌ترین شاعران این سبک حافظ است. وی در اکثر غزلیاتش پیرو سبک سعدی است و به اخذ و تضمین بعضی معانی و مصراع‌های سعدی می‌پردازد. همچنین حافظ معانی برخی ابیات و قافیه و ردیف بعضی غزل‌هایش را از دو شاعر معاصر خویش خواجه و سلمان می‌گیرد. (زرین کوب، 1384: 88)

از شاعران این عصر در خطه‌ی فارس و عراق، مجد همگر و امامی هروی را باید یاد کرد که نام و آوازه‌ی آن‌ها را طلوع سعدی در عقده‌ی افول افکند. (همان: 77) و نیز امیر حسن دهلوی، معروف به علاء الدین حسن سنجری مخصوصاً در غزل‌سرایی مهارت کم مانند دارد. (همان: 80) و سلمان ساوجی که در دربار سلطان احمد جلایر رتبه‌ی ملک الشعرايي داشت. و از شاعران و غزلسرایان این سبک عطار، اوحدی مراغه‌ای، خواجه‌ی کرمانی، عماد فقیه کرمانی، ناصر بخارایی و ابن یمین را می‌توان یاد کرد. (همان: 85)

بحران ادبی قرن هشتم این بود که اولاً غزل عاشقانه در سیر خود در قرن هفتم به وسیله‌ی سعدی به اوج رسیده بود و ثانیاً غزل عارفانه در سیر خود در قرن هفتم به وسیله‌ی مولانا به اوج خود رسیده بود. از این رو در قرن هشتم جریان تلفیق این دو نوع غزل پیش آمد که جریان تازه‌یی بود. اکثر شاعران قرن هشتم شاعرانی هستند که به هر دو شیوه؛ غزل عارفانه و عاشقانه توجه دارند. در تمام شاعران گروه تلفیق این خاصیت هست که به سعدی توجه دارند و الهام بخش حافظند. (شمیسا، 1382: 240)

مختصات سبک عراقی:

1- از نظر زبانی: چهار چوب، همان چهارچوب فارسی قدیم یعنی زبان سبک خراسانی است که بسیاری از مختصات خود را از دست داده است و تا حدودی مختصات جدید یافته است. (همان: 258)

موسیقی کلام دلنشین‌تر است، و مثلاً، از تشدید و تخفیف‌های بی‌مورد خبری نیست، لغات نسبت به سبک خراسانی تراش خورده‌تر و نرم‌تر است و از لغات کهن و خشن استفاده نمی‌شود. درصد لغات عربی بیشتر است. جملات به نظم طبیعی خود در زبان نزدیک‌ترند. (شمیسا، 1383: 141)

2- از نظر فکری: شعر درونگرا و به اصطلاح سوژکتیو است، زیرا مسایل درونی مطرح می‌شود، معمولاً غم‌گراست نه شادی‌گرا، همان‌طور که عشق گراست نه عقل‌گرا. (همان: 141)

3- از نظر ادبی: قالب مسلط در این دوره غزل است. اغراق و توصیف دارد و سرشار از صناعات بدیعی و بیانی است. (همان: 141)